

The requirements outside the prison are the most important necessity of the criminal policy to accept the acceptability and legitimacy of the political system

Ali. Nazeryian^۱

Seyed Mahmoud Mirkhalili^{۲*}

Mohammadali Hajidehabadi^۳

۱. PhD student of criminal law and criminology, Qom branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

۲. ***Corresponding author:** Professor of the Department of Criminal Law and Criminology, Farabi Campus, Qom, Iran

۳. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran.

Email: mirkhalili@ut.ac.ir

Received: ۱۹.۱۲.۲۰۲۳

Acceptance:
۱۷.۰۳.۲۰۲۳

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: ۲۸۲۱-۱۲۹۴

<http://journalspsich.com>

Vol. ۲, No ۱, Pp: ۴۱-۶۶

Spring ۲۰۲۳

Original research article

How to Cite This Article:

Nazeryian, ali & others. The requirements outside the prison are the most important necessity of the criminal policy to accept the acceptability and legitimacy of the political system (۲۰۲۳). , *psich*, ۲(۱): ۴۱-۶۶.



© ۲۰۲۳ by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴.۰ International (CC BY-NC ۴.۰ license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/۴.۰/>)

Abstract

The crucial elements for establishing and ensuring the proper functioning of essential governance structures are legitimacy and acceptance, extensively studied by scholars in the field of political science. This research aims to investigate the impact of rules and regulations outside of prisons on the legitimacy and acceptance required for established governance, contrasting with the traditional functioning of prisons and its adverse effects on this governance sphere. Insufficient attention to the fundamental requirements and needs of individuals, coupled with neglecting supportive patterns based on an open social system and reform and education, creates a path towards the non-acceptance and legitimacy of individuals under the scrutiny of the criminal justice system. The present research utilized a descriptive and analytical methodology. Inspired by an approach contrary to formalistic legalism, the institution of caring for criminals outside of prisons was examined, emphasizing the groundwork for social reintegration and the effective political legitimacy of the system. This analysis recognizes the trend of imprisonment aligned with a dry formalist and tradition-oriented perspective in criminal policy, identified as a factor contributing to the acknowledgment of non-acceptance and legitimacy..

Keywords Care, political system, Acceptance, Legitimacy.

الزامات خارج از زندان مهمترین ضرورت سیاست کیفری برای پذیرش ادبیات مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی

علی ناظریان^۱

سید محمود میر خلیلی^۲

محمد علی حاجی ده آبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران؛

۲. استاد تمام گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده گان پردیس فارابی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸ | پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶ | ایمیل نویسنده مسئول: mirkhalili@ut.ac.ir

چکیده

مشروعیت و مقبولیت از مهم‌ترین مفاهیم برای تثبیت و کارکرد صحیح ساختارهای حیاتی حاکمیت است و در ادبیات علوم سیاسی مورد مذاقه اندیشمندان این حوزه قرار دارد. هدف از این پژوهش بررسی الزامات خارج از زندان و تاثیر کارکردی آن بر مشروعیت و مقبولیت مورد نیاز حاکمیت مستقر در مقابل کارکرد سنتی زندان و تاثیرات سوء آن بر این ادبیات است. توجه کافی نداشتن به اقتضائات و نیازهای بنیادین افراد و همچنین نداشتن اهتمام هرچه بیشتر به الگوهای حمایتی مبتنی بر نظام باز اجتماعی و اصلاح و تربیت؛ زمینه‌ساز عدم مقبولیت و مشروعیت افراد تحت رصد نظام کیفری خواهد شد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی با الهام از شیوه‌ای مخالف با بینش فرمالیسم حقوقی، نهاد مراقبت از مجرمان در خارج از زندان را مطرح و زمینه را برای بازاجتماعی کردن و بازپذیری مشروعیت سیاسی نظام کارآمد؛ توامان مورد بررسی و تاکید قرار داده است؛ به نحوی که جریان حبس‌گرایی در راستای یک بینش خشک فرمالیست‌زده سنت‌گرا، در سیاست کیفری تحلیل کرده و آن را عاملی برای عدم مقبولیت و مشروعیت مورد بازشناسی قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: مراقبت، مقبولیت، مشروعیت، نظام سیاسی.

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی
تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۲۸۲۱-۱۲۹۴
http://journalspsich.com
دوره ۲ | شماره ۱ | صص ۶۶-۴۱
بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(ناظریان و دیگران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع:

ناظریان، علی. (۱۴۰۲). الزامات خارج از زندان
مهمترین ضرورت سیاست کیفری برای
پذیرش ادبیات مقبولیت و مشروعیت نظام
سیاسی حاکم، ۲(۱): ۶۶-۴۱.

مقدمه

برخلاف تصور حاکم، ساختیابی زندان در ادوار گذشته با ماهیت کنونی آن کاملاً متفاوت است. با توجه به متون دینی و تاریخی همچون تورات^۱ شاهد وجود ماهیتی به نام زندان در ادوار گذشته بوده‌ایم که کارکرد این نهاد بعد از انقلاب صنعتی و بروز و ظهور تغییرهای مبنایی در صنایع سنگین دچار گشتار گردید و ایجاد بسترهای اقتصاد سیاسی در سرعت‌گیری و رشد آن بی‌تأثیر نبود به گونه‌ای که نمایش مقطعی و جزئی‌تجزیه و مجازات همراه با شکنجه در بستری جزئی و محدود برای ایجاد عامل ترس و نظم جای خود را به زندان با چهره‌ای به ظاهر بشر دوستانه ولی با وسعتی بی‌سابقه داد در حالی که این بار به جای جسم، روح تابعین خود را مورد بازخواست قرار می‌داد. زندانی که علاوه بر کارکرد حفظ نظم عملکرد اقتصادی آن بیش از پیش مد نظر گفتمان قدرت برای به انقیاد کشیدن هرچه بیشتر و بهتر شهروندان جامعه بود.

با شکست نظریه اصلاح و درمان و ایجاد تفکرات انتقادی از پس دیدگاه‌های پست مدرنیسم^۲ و ابراز معایب ساختار زندان-ندامتگاه بررسی و توجه به مخرب‌ترین عیب ساختار از نظر مغفول ماند و آن ایجاد حس ناکارآمدی نظام حاکم و تردید در مشروعیت و مقبولیت در اذهان افراد درگیر در این چرخه نظام کیفری بود که بدون توجه به این نقیصه و اعمال تدابیر لازم رها شود بگونه‌ای که این عیب؛ تهدیدی برای ثبات و استمرار نظام سیاسی حاکم در بلند مدت گشت. نقیصه‌ای که تدبیر آن را می‌توان در نهاد مراقبت‌های خارج از زندان به عنوان اعمال و تدابیر پسا کیفر تحلیل کرد. حال سوال اصلی که با آن رو به روهستیم آن است که آیا ساختار زندان تحکیم‌کننده نظام سیاسی حاکم است یا صرفاً کارکردی اقتصادی-سیاسی در نظام‌ها بعد از انقلاب صنعتی دارد؟ آیا کارکرد نظام زندان‌ها کماکان برقرار است؟ و در بازشناسی آسیب‌های این نهاد برای نظام حاکم چه رویکردی عملیاتی است؟

درست است که زندان-ندامتگاه یک نهاد مصنوعی است اما این مهم به این معنا نیست که همانند محیط‌های طبیعی دارای روند ساخت یابی نباشد بلکه به دلیل ساختار جزیره‌ای بودن آن شاهد عملکردی هم‌نواپی و یک سوگرایی افراطی در بینش اتباع آن هستیم و ادبیات مختص به آن هم نتیجه این همبستگی اجتماعی در هم‌نواپی ویژه این محیط است. در صورتی

^۱ و او را در حبس نگه داشتن زیرا که اعلام نشده بود که با وی چه باید کرد. (سفر اعداد: باب ۱۵ / آیه ۳۲-۳۶)

^۲ Postmodernism

که نهادهای مراقبتی خارج از زندان دارای همچین کارکردی نمی‌باشند و مامور مراقبت با نظارت مستمر خود و نیز مددکار اجتماعی با نظارت اصلاحی می‌توانند خارج از ادبیات محیط‌های بزهکاری که عموماً به توجیه و مشروع نمایی اقدامات خلاف قانون منجر می‌شوند اقدام به اعمال تدابیری کنند که احتمال موفق بودن این تدابیر در گفتمان غالب جامعه که ادبیات پذیرش قانون و قانونمندی را پذیرفته و هم‌نوا با شهروند قانون‌مند است به مراتب بالا تر از اعمال آن تدابیر در محیطی با ادبیات و نگاه صرفاً انتقادانه که اصول و مبنای مشروعیت مجازات‌ها را هدف گرفته است باشد و این مهم میسر نخواهد گشت مگر با توجه به اهمیت اجتماعی نهاد مراقبت خارج از زندان. اما نکته قابل توجه دیگر آن است که هزینه اجتماعی ارتکاب جرم بسیار قابل ملاحظه و قابل تأمل است و آن چیزی نیست جز طرد شدن از اجتماع؛ تصور ناکارآمدی نظام و عدم مشروعیت و مقبولیت آن توسط مددجو و خانواده و اطرافیان، مشکلی که راه حل برون رفتی از آن را می‌توان در اهمیت اجتماعی نهادهای مراقبت پس از خروج یافت. هنگامی که جرم در تعارض با برآیند رفتار اجتماعی باشد، مرتکب آن به نحوی مورد مجازات غیر رسمی قرار می‌گیرد، این مجازات ممکن است به صورت طرد از خانواده، محیط کار، تحصیل و یا محل زندگی باشد، حتی اگر طرد به صورت فزینی اجرا نگردد، به شکل‌های دیگری خود را نمایان می‌کند. به علت وابستگی‌های فرد به جامعه و سختی‌های ناشی از انزوا، طرد اجتماعی از موارد مهم هزینه هر جرمی است. (عبدی، ۱۳۷۱، ۶۱)

پیشینه پژوهش

حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۸) "اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران" دست‌آورد تحقیق نشان می‌دهد مطالعات قوانین موجود حاکی از اتخاذ نکردن کافی و مناسب راهکارها و نهادها اصلاحی دارد. همچنان در قوانین و مقررات جزایی هم مقنن استفاده صحیحی از نهادهای منصوص در ادبیات دینی نبرده است.

اسدالهی و همکاران (۱۳۸۸) "نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زایی زنان زندانی خوزستان" یکی از دستاوردهای این تحقیق؛ کمترین تأثیر اشتغال‌زایی خدمات مرکز بر مجرمان منکراتی، مجردان و سطوح تحصیلی ابتدایی بوده است. و راهکار برون رفت آن در تشویق و ایجاد تهسیلات برای اخذ مدرک و تخصص‌های آموزش‌شده و مراکز فنی حرفه‌ای در

دوران حبس به دلیل روابط قوی با سطح اشتغال زایی و پیشگیری از بروز جرم در زندانیان زن می‌بیند.

زنجیره‌یی (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان "بررسی تاثیر آسیب‌های اجتماعی زندان بر مددجویان آزاد شده از زندان‌های استان تهران" نکته حائز اهمیت این پژوهش جامعه آماری پژوهش ۱۴۹۴ نفر از زندانیان آزاد شده زندانهای استان تهران که تحت پوشش مرکز مراقبت پس از خروج در سال ۱۳۹۴ قرار داشته‌اند؛ در این پژوهش نتیجه بر آن شد که با برنامه ریزی دقیق و گردآوری اطلاعات مربوط در جنبه‌های اقتصادی و با ایجاد یک نظام متمرکز حمایتی اقتصادی از مشکلات مربوط به امور این افراد کاسته شود.

ابراهیمی و ایزدی (۱۳۹۲)، "مطالعات تطبیقی راهبردهای اصلاح خارج از محیط کیفری ایران و کانادا" این پژوهش در سه محور ارائه شود. در مبحث آغازین راهکارهای اصلاحی جدای از توجه به سیستم‌های حقوقی ایران و کانادا مورد بازخوانی قرار گرفت. در مبحث بعد بررسی جلوه‌های موجود در نظم حقوقی ایران و کانادا صورت گرفت و مبحث پایانی به تحلیلی جامع از راهبردهای اصلاحی ایران و کانادا پرداخته شد.

شاکری و همکاران (۱۳۹۷)، "سیاست‌های اصلاح و درمان فرهنگ محور در زندانهای ایران" در این پژوهش زندان یکی از متداول‌ترین ابزارهای قانونی برای مجازات مجرمین در دنیا شناخته و معرفی گشت. نتیجه بر آن شد که بکارگیری بدون محدودیت نهادهای همچون زندان هزینه‌های غیر قابل توجیهی را بر سیستم کیفری اعمال می‌نماید.

یعقوبی و محمد (۱۳۹۶) "نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان" به این نتایج دست یافتند که افراد زندانی آزاد شده هر چقدر بدون اعمال برچسب اجتماعی؛ تحت حمایت و مراقبت خانواده و مورد پذیرش هیئت اجتماع قرار گیرند احتمال تکرار جرم و بازگشت به زندان پایین می‌آید.

شیوه و بیان هدف در این پژوهش

از طریق بررسی و جمع آوری منابع مختلف و مقالات مطالب جمع بندی شد و سپس از طریق فیش برداری مرتبط با موضوع این مطالعه صورت گرفت، روش تحقیق در این پژوهش بر اساس روش کیفی و بر مبنای توصیفی تحلیلی است که سنجش و گرد آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه ای می باشد و شیوه تحلیل از روش کیفی تحلیل اطلاعات است.

با در نظر گرفتن این نکته که در سیاست کیفری کشور ایران زندان یکی از اصلی ترین رویکرد برای اجرای مجازات است و شیوه مقنن برای پیشگیری و نیز باز پروری مجرمین در این جرگه معادل های جایگزین و اقدامات حمایتی پس از خروج از زندان به عنوان مهمترین ضرورت سیاست کیفری دیده شده. در این پژوهش سعی بر شناخت کارکرد سیاسی هرچه بهتر این نهاد و نیز اعتلاء ادبیات بر پایه مشروعیت و مقبولیت نظام حاکم در تابعین تحت شمول این نهاد دارد.

مفهوم شناسی

در این جایگاه به مفهوم شناسی مفاهیم کاربردی پژوهش می پردازیم.

معنی لغوی و اصطلاحی مراقبت

قرشی در کتاب خود قاموس قرآن می نگارد " رقبه و رقوب به معنا حفظ و انتظار است. رقبه و انتظار و مراقبت و مراعات و محافظت نظیر هم اند." (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۱۲) در این معنا شاهد آن هستیم که مراقبت مترادف و هم معنا با محافظت در نظر گرفته شده است. اما در معنای دیگر: پاییدن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۵۹۸) یا به معنا مواظبت کردن (معین، ۱۳۸۶: ۳۹۸۴) یا زیر نظر قرار دادن (عمید، ۱۳۶۹: ۱۷۸۴) معنا شده است. که لغت مراقبت در معنا زیر نظر قرار دادن و نیز محافظت متاخرترین بار معنا را از جهت لغوی با مفهوم مورد نظر داراست.

اما در اصطلاح مراقبت؛ اگر بدین منظور به سراغ ادبیات غالب در این حوزه یعنی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رجوع شود با توجه به ماده ۸۳ به تعبیر محقق مراقبت را یک روند یویا پیشگیرانه و اصلاح کننده فرد محور با رصد فعال سیستماتیک در نظر می گیریم.

معنای لغوی و اصطلاحی مفهوم خارج از زندان

زندانی نهادی برای تحدید و تنبیه افرادی است که به دلیل ارتکاب جرم محکوم شناخته شده‌اند. این نهاد مجرمان را از طریق تهدید شدید آزادی‌هایشان مجازات می‌کند. (فینکنور^۱، ۲۰۱۰: ۸۰۵) لکن در لغت برخی دیگر نیز بر آن اند که زندان تغییر شکل یافته ترکیب زنده+دان به معنای محل نگهداری افراد زنده است که بعداً به معنای زندان درآمده است. (خزائی، ۱۳۹۸: ۷۹). اما در اسلام نخستین کسی که برای دین زندانی کرد، شریح قاضی بود. (نجف‌آبادی، ۱۴۰۹: ۲۷-۲۹).

مفهوم اصطلاح خارج از زندان

الف) تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این عنوان یعنی؛ خارج از زندان، با توجه به آیین نامه مراقبت خارج از زندان مصوب ۱۳۷۸ تنها مرحله بعد از اتمام کامل حبس را مشمول خود می‌نمود اما با پیش بینی نهادهای جدید توسط قانون گذار مثل تعلیق اجرای مجازات یا دوره مراقبت فردی که مقام قضایی برای آن مجازات حبس را در نظر گرفته است، فرد به این نهادها به جای مجازات حبس محکوم می‌شود. در این نهادها فرد یا هنوز حبس او تمام نشده یا اصلاً برای تحمل کیفر حبس به زندان نمی‌رود که در این صورت این فرد را به حال خویش رها نمی‌کنند بلکه زیر نظر مقام قضایی تحت نظارت و مراقبت او یا می‌بایست تدابیر و دستوراتی انجام دهد یا اینکه تحت مراقبت قرار داشته باشد. که البته ایراد این نحو در آن است که با توجه به شرایط قشر وسیعی از بزهکاران را در خود جای نمی‌دهد. به این ترتیب به نظر می‌رسد با توجه به دستاوردهای نوین کیفری کشورمان در ق.م.ا مراقبت خارج از زندان معنا و مفهوم گسترده تری پیدا کرده است و فقط مشمولینی را که مجازات حبس را تحمل کرده باشند را شامل نمی‌گردد بلکه حتی برای اشخاصی که مجازات اصلی آن‌ها حبس است؛ ولی مقام قضایی با توجه به نهادهای جدید قانونی از حبس ایشان چشم پوشی نموده و آنان را تحت لوای تدابیر جدید وارد کرده است را نیز شامل می‌گردد.

ب) مفهوم خاص: در این معنا مراقبت از بزهکاران صرفاً مربوط به زمان اجرای مجازات‌های اجتماع محور نیست، بلکه بزهکارانی که بنا به دلایلی، اعمال مجازات اصلی حبس بر آنها ضروری است، بعد از خروج از زندان نیازمند مراقبت می‌باشند. بگونه‌ای که بنابر ماده ۶ آیین

^۱. Finckenauer

نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، اداره مراقبت بایستی شرایط لازم جهت اصلاح و تربیت بزهکاران و بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی و زندگی سالم اجتماعی آنها را بعد از خروج از زندان فراهم آورد. در این مفهوم خارج از زندان به معنای مصطلح خود مرحله‌ای پس از خارج شدن از زندان می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

کارکرد سیاسی نهاد مراقبت خارج از زندان در پذیرش ادبیات مقبولیت و مشروعیت نظام

شاید اصلی‌ترین کارکرد نهاد مراقبت برخلاف آنچه که ابراز می‌گردد اصلاح فرد برای پیوستن به اجتماع مورد نظر و بازسازی او نباشد بلکه ساختاری است برای اصلاحات واژگانی مورد پذیرش فرد برای بازیابی درسیستم سیاسی تا مشروعیت و مقبولیت نظام حاکم کماکان حتی از طرف فرد بزهکار حفظ شود. از این طریق رسالت دیگر نهادها همچون آموزشگاه‌ها، مدارس، کمپ‌ها، نهادهای مشاوره‌ای و سیستم مجازات تکمیل گردید. هرچند این داعی از اهداف ظاهری نهادهای مراقبتی کماکان پوشیده به نظر می‌آید اما به صورت غیر مستقیم می‌توان آن را در پاسخ نسبت به تردید مطرح شده درحوزه دانش جرم‌شناسی یافت نمود. این تردید که چرا جرم‌شناسی با رکود کارکردی رو به رو شد. شاید در عصر حاضر این مهم‌ترین سوال در حوزه جرم‌شناسی باشد در عصری که با تعطیلات علمی و رکود در نظریات مولد مبنای رو به رو هستیم؛ گاهی فهم چرای مطرح شدن این تیپ از سوالات خود کمک شایانی در جهت پاسخ گویی به آنان باشد؛ شاید می‌بایست به نرمال سازی که سالیان دراز به ویژه پس از انقلاب صنعتی به وقوع پیوست نگاهی دوباره انداخت.

شاهد اعمال حداکثر انقیاد از طرف هیئت حاکم بر فرد و اصالت او هستیم به گونه‌ای که حاکمیت را اعمال اراده عمومی می‌دانند (دورکهایم^۱، ۱۳۹۷، ۱۱۷) در حالی که حق حبس یکی از حقوق طبیعی در دستان جامعه برای سرکوب سوژه‌های است که در چرخه آموزش اعم از آموزش عمومی، تحصیلی، نظامی، درمانی، خانوادگی و غیر به حداقل انقیاد مورد توجه جامعه

^۱. Durkheim

دست نیافته اند با تمام این تفصیل بعد از اعمال سیستم زندان-ندامتگاه به عنوان یک دست آورد حقوق بشری پس از شکنجه‌ها و سیاه چال‌ها وجود و اعمال اراده عمومی در آن در عصر حاضر با تردید مواجه است.

کماکان گفتمان قدرت در سراسر گیتی بدنبال گسترش روز افزون قدرت خود برای مقابله کردن با خدایگان اسطوره ایست به گونه‌ای که با فشار بر اذهان اندیشمندان در این حوزه از آنان خواستار دادن تجویزی است برای کاهش هرچه بیشتر نابهنجاری‌ها اجتماعی که یک روی سکه است و روی دیگر آن به انقیاد کشیدن هوشمندان افراد است. در این گیر و داد برخی به دلیل وجود نرخ‌ها بالای از وقوع جرائم حتی با وجود نظریات مختلف در حوزه جرم شناسی به این نتیجه دست پیدا کردند که جرم شناسی مرده است.

در صورتی که با بلوغ به وجود آمده در ده‌های متمادی درون اندیشمندان این حوزه وارد گفتمانی جدیدی شده‌ایم^۱. گفتمانی که خود را جرم‌شناس اجاره‌ای نمی‌داند و به تمامی جنبه‌های جرم اعم از بزه‌کار و بزه دیده و اجتماع و حتی گفتمان قدرت به دلیل ادبیات اخذ کرده، خورده می‌گیرد. نکته‌ای که باعث گردید حکم موت فرضی این دانش را صادر نمایند. آشکار خواهد شد که مقصود مد نظر از مطالعات و سیر تحولی که این علم طی نموده است برای ساختار قدرت قابل قبول نبوده و کارکرد مد نظر را در خود به همراه ندارد چرا که بعد از به وجود آمدن تفکر انتقادی رویکرد این دانش نیز به سمت تردید در بدیهیات پذیرفته شده توسط هیئت اجتماع رفت و نتایج غافل گیرانه‌ای را به همراه تحقیقات خود آورد که باعث جبهه گیری شدید در مقابل این نحله شد. پس می‌توانیم شاهد این مدعی باشیم که کارکرد نهاده مراقبت به عنوان یک تدبیر برگرفته شده از جرم شناسی؛ کارکرد از پیش سیاسی بود هرچند نمی‌توان منکر کارکرد اصلاحی او شد!

به موجب ماده ۶. آیین نامه مراقبت خارج از زندان " کلیه اقدامات اداره مراقبت بعد از خروج باید در جهت اصلاح و تربیت و فراهم آوردن زندگی سالم اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... مددجویان برنامه ریزی و صورت پذیرد". یکی از مهمترین مباحث

^۱. عواملی که از نظر هنری کسینجر باعث فروپاشی نظم سیاسی و مذهبی قرون وسطا می‌شد. سه رویداد بود: آغاز عصر اکتشاف، اختراع چاپ، ایجاد تفرقه در کلیسا (کسینجر، ۱۳۹۶، ص. ۸).

برای هر حاکمیتی مشروعیت و همچنین مقبولیت خود در نزد مردم آن جامعه هست در ادبیات علوم سیاسی مشروعیت یعنی فعالیت‌های سیستماتیک برای حفظ و ارتقای این عقیده که نهادها و قوانین سیاسی موجود مناسب‌ترین موارد برای این جامعه هستند. (Lipset, ۷). ۷: ۱۹۶۰ و در مورد جایگاه رضایت افراد جامعه در مشروعیت و اهمیت آن استوکر بیان می‌دارد که برای مشروع بودن حکومت سه شرط الزامی است: نخست انطباق فعالیت‌های اجرایی آن با قوانین مقرر شده، توانایی توجیه قوانین با استناد به عقاید مشترک جامعه و در نهایت رضایت افراد زیر دست (Stoker, ۱۹۹۸: ۵).

می‌دانیم که امروزه به دلیل تحولات در ساختارهای قدرت حتی کلید واژه‌های اصلی همچون دولت-ملت در ادبیات مورد توجه علوم سیاسی نیز در حال رنگ باختن به دلیل وجود شرایط تحولی و گذار است به گونه‌ای که اعتراضات و کشمکش‌های که در سطح جهان در کشورهای مختلف با سیاست‌های کلان دولت‌ها مبین این امر است لکن در چنین شرایطی کماکان نحوه بینش مردم در مشروع دانستن و مقبولیت حاکمیت شاخص اساسی است بر وجود و ادامه حیات هر بستر حاکمیتی است. فراقکنی حکومت در پذیرش علل ناکامی سیاست‌ها و مقصر جلوه دادن متهمان مهمترین ویژگی نظریه قوچ قربانی است. ناتوانی حکومت در تامین امنیت و در پی آن، افزایش نرخ جرایم موجب بی‌اعتمادی مردم به مقامات عدالت کیفری و نهادهای کنترل جرم می‌شود. (میرخلیلی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۸۵) در هر ساختاری که می‌خواهد کارکرد داشته باشد چه آن ساختار لیبرال باشد یا کمونیستی و یا اسلامی در هر کدام از آنان کماکان وجود این دو مولفه بسیار ضروری و باعث یک پارچه سازی مفهوم دولت-ملت و نزدیکی هرچه بیشتر آنان می‌گردد. در سال ۲۰۰۳، گراهام، آموس و پلامپتر معیارهای را برای حکومت خوب معرفی نمودند که شامل پنج معیار اصلی هستند این معیارها عبارت بودند از:

۱. مشروعیت و آزادی بیان
۲. توانایی مدیریت
۳. کارآیی
۴. مسئولیت‌پذیری
۵. عدالت و انصاف.

(Graham & Others, ۲۰۰۳: ۲)

ساختاری همچون زندان علاوه بر عدم موفقیت در اصلاح و بازیابی افراد و نیز عدم صرفه اقتصادی دارای عیبی به مراتب بالاتر و خطرناکتر در دراز مدت برای مشروعیت و مقبولیت سیستم حاکمیتی محسوب خواهد شد به گونه‌ای که تمامی مولفه‌های یک حکومت خوب را می‌تواند با تردید جدی رو به رو سازد. افراد زندانی به دلیل آثار تبعی که زندان از خود داراست با

مشکلات عدیده روانی، اجتماعی و خانوادگی دست و پنجه نرم می‌نمایند که عامل و مسبب این وضعیت را نه در رفتار و بزه ارتكابی خود بلکه در سیاست کیفری دولت می‌جویند و او را مسئول قلمنداد می‌نمایند. ورای این مطلب که آیا این داوری صحیح یا مغرضانه است و آیا حجیت دارد یا خیر باید دید که آثار احتمالی که به همراه خود دارد چگونه ظاهر می‌گردد. این نهاد عامل مشروعیت نظام را در نظر این افراد به زیر سوال خواهد برد و هم کارایی؛ در صورتی که در اکثر موارد نیازی به حبس و زندان نیست بلکه می‌شود با مدیریت این ناسازمندی از طریق نهاد مراقبت خارج از زندان آن ناهنجاریهای اجتماعی را مدیریت نمود و از آسیب‌ها و مواردی که به تبع نهاد زندان به وجود خواهد آمد جلو گیری کرد.

جنبه‌های دیگر مورد نظر نهاد مراقبت‌های خارج از زندان حمایتی بودن آن در مقابل رسوا کنندگی مجازات‌ها است. ویکتور ماری هوگو^۱ سناتور فرانسوی در رمان خود به نام کلود ولگرد با طعنه زدن به سیاست کیفری موجود در ادوار تنفسی خود دست به آفرینش تمثیلی از فرد ناکرد بزه ای می‌زند که در طی مدت کوتاهی از یک شهروند عادی به یک قاتل ناخواسته تبدیل می‌گردد گوهر مفقود سیستمی که هوگو در رمان خود دست به آفرینش می‌زند را می‌توان در سیستم کیفری دید که عنصر حمایتی در آن معنا و مفهومی ندارد در عوض پر است از عدالت مطلق کانتی که دیواری کوتاه تر از فرد خاطی برای آن متصور نیست چرا که او راحت‌ترین سیبل برای هدف گیری و مسئول شناخته شدن است. کانونی که خشم جمعی در آن تخلیه می‌شود، قوچ قربانی، در مقابل، به فعال کردن مجدد ارزشهایی که به صورتی اجتماعی ترویج شده اند و به جلوه گر شدن وجدان آرام جامعه کمک می‌کند. (بست^۲، ۱۳۷۲: ۶۴)

در اغلب موارد سیاست‌های حمایتی می‌تواند از شکل گیری تعداد بسزای از ناهنجاری‌ها و جرائمی که از این شرایط شکل می‌گیرد جلو گیری نماید. این نمود از سیاست می‌تواند در قالب‌های متفاوتی خود را ابراز دارد به عنوان نمونه حمایت‌های روانی-عاطفی را می‌توان اشاره داشت. به گفته فروید احساس گناه یکی از قوی‌ترین محرک‌های است که فرد را ناخودآگاه برای انجام بزه تحریک می‌کند. (فروید، ۱۳۹۹: ۱۷۸) در چنین مواردی تنبه و مجازات را هرچند لازم بدانیم اما نمی‌توان آن را کافی دانست چرا که منشاء جرم یا همان حس گناه کماکان در

^۱. Victor Marie Hugo

^۲. Bessette

فرد وجود دارد و او برای موجه سازی این حس گناه درون خود که منشاء وجودی آن برای فرد ناشناخته است باعث می‌گردد که او برای توجیه سازی آن دست به ارتکاب جرم زده تا منشاء جعلی برای آن ساخته و این حس قوی و نامطبوع خود را به آن نسبت دهد و بنابراین نظر اگر آن را بپذیریم، درخواهیم یافت که تا این حس در درون شخص مورد بازنگری و تحلیل قرار نگیرد مجازات کردن او اگر نگوییم بی‌فایده ولی از تکرار جرم جلوگیری نمی‌نماید پس در این موارد می‌توانیم با سیستم حمایتی در نهاد مراقبت‌های خارج از زندان همان گونه که در بند ه ماده ۳ آیین نامه مذکور به آن اشاره شده رفتار نمود.

اهمیت و کارکرد اقتصادی نهاد مراقبت خارج از زندان

جالب است که سه نقش تکنیکی مثبت برای زندان-ندامتگاه ترسیم شد که یکی از آنان کارکرد اقتصادی و توجه به بهره‌های حاصله از ارزش افزوده به دست آمده از زندانیان برای متولی می‌باشد. دستگاه حبس برای این کار به سه طرح بزرگ متوسل شد: طرح سیاسی-اخلاقی انزوای فردی و پایگان بندی؛ الگوی اقتصادی نیروی به کار گرفته شده در کار اجباری؛ الگوی تکنیکی-پزشکی درمان و بهنجار سازی. (فوکو^۱، ۱۳۹۸: ۳۰۸) به عبارت دیگر یکی از جذابیت‌های نهاد حبس در کارکرد قبلی خود جذابیت اقتصادی و سود آوری آن برای جامعه بوده است. برخی بر این باورند که از اشتغال زندانیان چند عایده متصور است:

الف. از نظر کیفی: اکثر بزهکاران تنبل و بی‌ثبات هستند و از کار دوری می‌جویند. واداشتن آنها به کار باعث تنبیه می‌شود و آنها را به سوی نظم متمایل می‌کند.

ب. از حیث اقتصادی: با کار و اخذ دست مزد آن هم دولت و هم زندانی می‌توانند از این درآمد منفعت ببرند.

پ. از حیث تربیتی: کار را می‌توان اساس اصلاح زندانی به شمار آورد. (دانش، ۱۳۷۲: ۲۳۵-۲۳۶)

که در ده‌های گذشته با تاکتیک‌های هم چون حبس با اعمال شاقه و یا کار اجباری همراه حبس دنبال می‌گشته است و امروزه نیز با خصوصی سازی زندان‌ها در کشورهای سرمایه داری

۱. Foucault

این هدف با بکارگیری نیروی کار ارزان تر در زندان‌های خصوصی در حال پیگیری است در صورتی که در ساختار کیفری ما این مطلب کاملاً معکوس است به عبارت بهتر زندان در ایران هیچ گونه توجه اقتصادی برای حاکمیت ندارد و از این دید یک نهاد کاملاً زیان‌ده برای دولت و جامعه است. در تاریخ حقوق کیفری ایران برای نخستین بار کنت دو مونت فورت بود که ایجاد کارگاه در زندان را به منظور اشتغال زندانیان در طرح تنظیمات خود گنجانده. مقصود حقوق‌دانان کیفری از ایجاد کار برای زندانیان اصلاح و تربیت آنان است، اما در زندان‌های ایران و کارخانجات وابسته به آنها چنین مقصودی چندانی در میان نبود. (خزائی، ۱۳۹۸: ۲۵۵) آنچه‌آنکه پرواضح است تربیت و اصلاح از یک جنبه و منفعت اقتصادی آن از جنبه دیگر با شکست روبه رو شد. زندان‌ها در اصلاح مجرمان توفیقی نداشته و تاکید دانشمندان غربی بر شکست نظریه اصلاح و درمان، در همین جهت است. (میرخلیلی، ۱۴۰۰: ۲۲۷) حال با توجه به روند نرخ رشد آن هم به صورت تساعدی معضله جدید دیگری برای تامین بودجه برای رفع نیازهای ابتدایی این افراد رخ نموده که جای هرگونه بحث و فصل برای مخارج و هزینه کرد اعمال اصلاحی را از ما می‌گیرد.

موجودی زندانیان عمومی در پایان سال ۱۳۶۰ و ۱۳۸۵

موضوع	۱۳۶۰	۱۳۸۵	۱۳۸۸
تعداد موجود زندانیان (هزار نفر)	۳۷/۶	۱۴۶/۵	۱۷۳/۰
تعداد زندانی در هر صد هزار نفر جمعیت	۹۴	۲۱۴	۲۴۳

مشاهده می‌شود که طی ۲۵ سال، نسبت زندانی به جمعیت از ۹۴ نفر در هر یکصد هزار نفر جمعیت، به رقم ۲۱۴ نفر افزایش یافته و در سه سال اخیر نیز به ۲۴۳ نفر رسیده است. این شاخص ایران را در سال ۲۰۰۳ در رتبه ۳۳ از ۱۵۴ کشور جهان قرار می‌دهد. (عبدی، ۱۳۹۷: ۲۹۵) که باتوجه به مطالب فوق الذکر در ایران از سه نقش تکنیکی صرفاً نقش، طرح سیاسی-

اخلاقی انزوای فردی و پایگان بندی باقی می‌ماند که در درجایگاه خود یعنی اهمیت اجتماعی نهادهای مراقبت خارج از زندان به تفصیل به ساخت بندی و تاثیرات سوء این ساخت بندی هدایت نشده پرداخته شد.

تعداد مطلق و نسبی پرونده‌های وارد به دادگستری ۱۳۸۳-۱۳۴۵

موضوع	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۳
تعداد پرونده‌های وارده (هزار پرونده)	۱۴۰۶	۱۹۹۵	۱۵۶۱	۳۱۲۱	۴۲۳۷
جمعیت کشور (میلیون نفر)	۲۵/۸	۳۳/۷	۴۹/۴	۶۰/۱	۶۷/۵
تعداد پرونده به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور	۵۵	۵۹	۳۲	۵۲	۶۳

بر اساس نتایج جدول می‌توان گفت که پس از یک دهه کاهش در نسبت پرونده‌های وارده به دادگستری به جمعیت، از دو دهه پیش مجددا شاهد افزایش این شاخص هستیم. البته رقم سال ۱۳۸۳، بدون لحاظ کردن تعداد پرونده‌های مربوط به شورای حل اختلاف است. اگر رقم این پرونده‌ها نیز اضافه شود، تعداد کل آنها در سال ۱۳۸۳، بدون لحاظ کردن تعداد پرونده‌های مربوط به شورای حل اختلاف است. اگر رقم این پرونده‌ها نیز اضافه شود، تعداد کل آنها در سال ۱۳۸۳ به ۵/۶ میلیون و تعداد پرونده به ازای هر هزار نفر جمعیت کشور به ۸۳ می‌رسد که رشد نسبتا بالایی دارد. آنچه موضوع را حاد تر می‌کند، رشد شدید این پرونده‌ها در سال‌های اخیر است. (عبدی، ۱۳۹۷: ۲۹۴)

هرچند در این سال‌ها سعی بر آن بوده که از تعداد ورودی پرونده‌ها با توسل به ایجاد زیرساخت‌های بروز برای ایجاد داده‌های دیتای دردامنه‌های گسترده کمک گرفته شود تا در نتیجه آن آمار ورودی تعداد پرونده با توسل به آن کاهش گردد و در نتیجه این سیاست باعث کارایی بهتر و کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی وارده بر سیستم و جامعه گردد. این بینش از اولویت‌های تصمیم گیران ارشد قوه قضائیه هم کاملا مشهود است به گزارش ایسنا، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رییس دستگاه قضا در جریان نخستین جلسه مشترک

شورای عالی قوه قضاییه در ۸ فروردین ماه، ۱۵ اولویت دستگاه قضایی در سال ۱۴۰۱ را به شرح زیر برشمرد که دو اولویت با بحث ما مرتبط است:

الف. «تقلیل ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی با اصلاح و ایجاد قانون و انجام اقدامات پیشگیرانه و فرهنگ‌سازی پیرامون برخی مسائل»

ب. «کاهش جمعیت کیفری و کم کردن تعداد زندانیان»^۱

اما می‌بایست توجه نمود که در این سیکل کاهشی صرفاً اقداماتی همچون بستر سازی‌های داده‌ای و ایجاد دامنه‌های مرتب داده‌ای هرچند مورد نیاز اما کافی نبوده و نیازمند اصلاح ساختار نظام حاکم بر دیدگاه مجازات‌های درازمدت همگان به ویژه مجریان قانون هست. یکی از مهمترین این سیستم‌ها که از جمله محصنات آن کاهش هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. نهاد مراقب خارج از زندان است که معایب و ایرادات وارده بر ساختار زندان‌ها از جمله هزینه بردار بودن چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ اجتماعی و سیاسی، حداقل به میزان نهاد زندان-ندامتگاه به همراه خود ندارد. چرا که سیستم زندان سیکلی معیوب است که زندانی را وارد چرخه بازگشت به جرم و تکرار آن می‌نماید.^۲

نتایج آزمون همبستگی				
گروه			ارتکاب مجدد	میزان استفاده از کمک‌های انجمن
			ضریب همبستگی	۰.۷۲-
			۱,۰۰۰	

^۱ <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۱۰۱۱۵۰۷۱۵۷>

^۲ در این پیمایش از آزمون‌های کای سکوئر "خی^۲"، ضریب همبستگی پیرسون و هاسپیرمن استفاده شده است. این کار با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS انجام گرفته شده است.

آمارها اسپیرمن	زنان	ارتکاب مجدد	سطح معنا دار	۰	.۴۷۸
		میزان استفاده از کمک‌های انجمن	ضریب همبستگی	۰.۰۷۹-	۱,۰۰۰
			سطح معنا دار	.۴۷۸	۰
	مردان	ارتکاب مجدد	ضریب همبستگی	۱,۰۰۰	۰.۰۴۷-
			سطح معنا دار	۰	.۶۳۲
		میزان استفاده از کمک‌های انجمن	ضریب همبستگی	۰.۰۴۷-	۱,۰۰۰
			سطح معنا دار	.۶۳۲	۰

بین میزان خدمات مراکز مراقبت بعد از خروج، با تکرار جرم و بازگشت مجدد رابطه معنا دار وجود دارد. واضح است که استفاده هرچه بیشتر از این کمک‌ها در جهت کاهش میزان ارتکاب به جرم موثر بوده چرا که رابطه از نوع معنی دار و منفی است. هر چقدر میزان خدمات دهی مرکز مراقبت بعد از خروج از لحاظ خدمات مددکاری، مشاوره و اعطای تسهیلات بانکی در جهت ایجاد اشتغال کمتر باشد، تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد به زندان بیشتر خواهد بود؛ زیرا این مراکز می‌توانند نقش بسیار مهم و ارزنده را در سرنوشت فرد بزهکار بعد از آزادی از زندان داشته باشد. بنابراین یکی از نقشهای بسیار مهم این مرکز پیشگیری از بزه مجدد توسط مجرم و پیشگیری از بازگشت مجدد به زندان می‌باشد. (معظمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۵)

ساخت‌یابی حقوق و تکالیف بر مبنای واژه نوبنیان شهروند

البته روند ادبی این ساختار برخلاف روند اصلاحی معرفی شده از سوی طرفداران تز قرارداد اجتماعی است. جریانی که کارکرد مفهوم کلید واژه شهروند را در مقابل مفهوم رعیت قرار خواهد داد. بدین نحوه که باید بین تربیت یک انسان کامل و یک شهروند کامل یکی را انتخاب کنیم، زیرا نمی‌توانیم در آن واحد هر دو کار را کرد. (روسو^۱، ۱۳۸۸: ۳۹) در این رویکرد با تغییر در ساختارهای مبنای و مفهومی برخورد داریم. همچنین در این رویکرد ما با کلمه شهروند رو به رو هستیم؛ شهروندی که می‌بایست نقش شهروندی خود را با محوریت حمایت تمام قد از نظام حاکم و گفتمان قدرت موجود و در خواستها و تکالیف‌های آن تمام قد تطبیق دهد در نظامی که می‌بایست مصلحت فردی او قربانی مصلحت اجتماعی بزرگتری گردد و جمع این دو اضداد در این رویکرد امری محال یا لاقبل بسیار دشوار و دور از ذهن است.

در حالی که در رویکرد دیگر ما با لغت رعیت رو به رو هستیم، باید توجه نمود که این واژه در مقابل سانس و تدبیر کننده قرار می‌گیرد به دلیل گذر زمان و اعمال گشتارها که بر آن واقع شد در بدو امر معنای منفی به ذهن متبادر می‌کند که شاید بتوان این روند را هم در ترجمه ناصواب آن در نحله شکل‌گیری ترجمه متون عربی به انگلیسی دانست و هم سیر تاریخ اجتماعی که در جوامع سنتی بر نظام ارباب-رعیتی در به وجود آمدن این معنا بی‌تاثیر نبوده است در صورتی که کلید واژه رعیت در بر دارنده رعایت کردن حال تک تک اعضاء اجتماع از سوی قدرت حاکم است. بدین نحو برخلاف رویکرد اول در اینجا سنگینی سنجه تکالیف و رعایت آن بر دوش حاکم و گفتمان قدرت مستولی است تا افراد. البته مخالف و منتقدانه در این زمینه وجود دارد در کتاب تاملات آمده است که شهروند واژه بالنسبه جدید است؛ معادل‌های فرانسوی و انگلیسی آن نیز چنان‌اند. واژه جدیدی است که برای تعبیر از یک مفهوم جدید و نوظهور وضع گردیده است.

رابطه انسان با حاکم یا حکومت در روزگار قدیم رابطه گوسفند بود با شبان؛ و مناسب‌ترین تعبیر از چنین رابطه‌ای همان واژه رعیت است. رعیت در مقابل راعی است، یعنی: گوسفند و چوپان در چنان نگرشی دو مفهوم حاکم و مالکیت در هم ادغام می‌گردد. نگاه به حاکم و رابطه انسان با او در شرق و غرب تقریباً یکسان بود تا قرن هجدهم که اوضاع تغییر کرد. انسان معاصر حاضر نبود که خود را به چشم گوسفند ببیند. مفهوم حکومت در زمان ما چیزی جز

^۱. Rousseau

مسئولیت مدیریت کشور نیست؛ حکومت اختیار و اقتدار خود را از مردم می‌گیرد و در برابر مردم پاسخ گو باید باشد. در چنین شرایطی دیگر واژه رعیت برای تعبیر از رابطه انسان با دولت مناسب نبود؛ می‌بایستی واژه دیگری پیدا می‌کردند که برای القای این رابطه جدید مناسب تر باشد. در کتاب‌های لغت قدیم کلمه شهروند وجود ندارد، حتی در فرهنگ معین شما چنین واژه‌ای ندارید. واژه شهر بند دارید که در متون کلاسیک فارسی به معنا زندانی به کار می‌رفت اما شهروند نه. (موحد، ۱۴۰۰، ۲۹۸-۲۹۹)

با دقت نظر در مقدمات معنونه که گذشت در نظام سیاست کیفری اسلام علاوه بر این که فرد دارای اصالت است و این اصالت مورد احترام برخلاف ادعای روسو می‌شود یک انسان کامل رشد یابد و هم یک شهروند^۱ کامل باشد و آن هم با اعمال تدابیری بر فرد افراد جامعه با هدف اصلاحات فردی و متاثر از آن، اصلاحات اجتماعی در گام بعدی که در بعد فردی این اصلاحات را با نهادهای همچون نماز و روزه دنبال می‌نماید و در بستری بزرگ تر با اعمال نهادهای همچون امر به معروف و نهی از منکر و سنت‌های مواجهه با پسا کیفری که از خود به یادگار نهاده است.

حقوق شهروندی سدی در مقابل توسعه طلبی نهاد مراقبت خارج از زندان

در روزگاری که ماهیت وجودی مجازات همچون زندان و اعدام با تردیدهای شدید و انتقادهای مستحکم رو به رواست تحدید کردن دوباره حقوق اولیه شهروندی یک فرد با ادعای حمایت گری از او یا جامعه؛ دارای جلوه‌ای توجیهی در اذهان متخصصین در حوزه عدالت کیفری نیست. ایجاد مرز دقیق که هم در بردارنده اتخاذ تدابیر لازم برای در نظر گرفتن حمایت و نظارت از شخص و اعمال آن تدابیر به گونه‌ای که حریم شخصی و خانوادگی آن فرد نیز مورد احترام قرار گیرد از چالش‌های مهم پیش روی مامورین مراقبت و مددکاران اجتماعی و قاضی اجرای احکام در اجرای صحیح نهاد مراقبت پس از خروج است که می‌بایست با دقتی هرچه تمام از سوی طرفین به اجراء گذارده شود.

در حالی که بست یابی جایگاه حقوق شهروندی ابتدا در گفتمان متخصصین این حوزه یعنی اهالی حقوق و در گام بعدی در گفتمان غالب حاکم بر عرف جامعه با ادبیات مورد حمایت آنان

^۱ رعیت در معنای که گذشت نه معنای مصطلح

می‌بایست مورد خواست باشد. به عبارت دیگر این درک و تقاضا برای بست هر چه بیشتری حقوق شهروندی از قانون گذار محترم می‌بایست از اهالی حقوق آغاز و به مطالبه همگانی تبدیل گردد. در چنین صورتی کارکرد نهادهای نظارتی-حمایتی نتنها باعث ایجاد عملکرد مثبت در حوزه عدالت کیفری نمی‌گردد بلکه با نتیجه معکوس خود عاملی دیگر بر محدود کردن عرصه حقوق شهروندان در جامعه است. در هفت اصلی که جان میشل فوکو برای وضعیت ندامتگاهی خوب برمی شمورد اصل هفتم قابل مذاکره می‌باشد: نه تنها باید زندانی را پس از ترک زندان تحت مراقبت قرار داد، بلکه باید به او کمک و یاری رساند به منظور تسهیل توانبخشی زندانیان، در طول کیفر و پس از آن به آنان یاری و مساعدت می‌شود. (فوکو، ۱۳۹۸: ۳۳۸)

جامعه که مقصود خود را در زمان متاخر؛ بر اعمال مجازات با نگاه بر گذشته بزهکار و اجرای عدالت می‌دانست لکن در زمان حال او مجازات را با نگاهی به آینده اعمال می‌نماید. و با توجه به این نکته که اعمال خط کشی بین تدابیر قانون گذار و مجازات‌های سالب حقوق اولیه به سختی قابل ترسیم و تفکیک است این چالش یعنی به بهانه الزامات پس از خروج و تدابیر حمایتی باعث شویم که حقوق شهروندی تحدید گردد خود نمایان گر این چالش هست آن هم در دوره‌ای که خود مجازات‌های اصلی مشروعیتی متزلزل دارند. پس باید کیفرها و شیوه‌های در اجرای آن برگزید که با رعایت نسبت‌ها، کاراترین و پایدارترین اثر را در ذهن مردمان و کمترین اثر درد را بر جسم بزهکار برجا گذارد. (بکاریا^۱، ۱۳۷۷، ۶۷)

می‌باید توجه نمود که ترسیم یک مدل بومی فرهنگی که در بردارنده حقوق ایدئولوژیک و طبیعی است از ملزومات یک نظام حقوقی زنده و پویا است و خلاّ چنین مصوبه‌ای به جد در ساختار نظام حقوقی ایران حس می‌گردد به نحوی که اعمال صحیح قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری را با مشکلاتی مواجه نموده است و ماده واحده کنونی^۲ با این قوانین هم خوانی و هم گونی ندارد. عدم طرح واره حقوق شهروندی در قالب یک قانون باعث ایجاد نتایجی معکوس و غیر قابل قبول از نهادهای حمایتی و نظارتی نیز می‌گردد. باید متوجه ایجاد ساختاری شد که در آن حقوق شهروندی و رعایت آن گفتمان غالب و ادبیات حاکم در

^۱ Beccaria

^۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

عرصه جریان عدالت کیفری است. رسیدن به این قله و تحکیم و تثبیت آن ممکن نیست مگر با خواست همگانی و ایجاد نیاز در گروه‌های تخصصی و سرایت آن به هیئت‌های اجتماعی برای مطالبه گری در عرصه‌های سیاسی و مدنی.

البته در زمینه حقوق شهروندی علاوه بر مفقودی یک نص روزآمد و در خور با یک چالش عظیم مواجهیم و آن استفاده ابزاری و تبلیغاتی در جهت پیش برد مقاصد و حوائج مد نظر احزاب است که این چالش باعث به وجود آمدن متونی مانند منشور حقوق شهروندی در ادوار قبل شد. کاربرد و کارکرد آن کماکان بر ما پوشیده و مجهول است و صرفاً بیان‌های بدون اعتبار و یک شوآف سیاسی است. دکتر علی موحد در تاملات در این زمینه می‌نویسد: آقای روحانی در سخنرانی‌های انتخاباتی خود وعده داده بودند که اگر انتخاب شوند توجه خاص در زمینه حقوق شهروندی مبذول خواهند داشت؛... اگر چه فی نفسه امری مستحسن و شاید هم از نظر تبلیغ و جذب افکار عمومی موثر باشد، اثر قاطع و محسوسی در تغییر واقعیت نمی‌تواند داشت. ایشان حقوق شهروندی را به سه بخش قابل تقسیم می‌دانست:

۱. بخش مربوط به امنیت شخصی: مانند حق متهم برای دسترسی به دادگاه و وکیل، اصل قانونمندی جرم و مجازات، اصل برائت، که هدف از آنها تامین امنیت فردی شهروندان است. خوشبختانه در این راه قدم‌های بلند موثری برداشته شده و آن قانون آیین دادرسی کیفری است.

۲. بخش مرتبط به آزادی‌های سیاسی که به نظر من مهمترین و ابتدایی‌ترین آن‌ها حق گفت و گو است. یکی از فلاسفه نامدار معاصر^۱ می‌گوید: شهروند آدمیزادی است که حق او برای گفت و گو با دیگران به رسمیت به رسمیت شناخته شده باشد. یعنی هر شهروند باید بتواند با شهروندان دیگر به گفت و گو بپردازد.

۳. بخش سوم حقوق شهروندی ناظر بر جنبه اقتصادی و اجتماعی است مانند بیمه، حق کار، حق برخورداری از بهداشت و آموزش آزاد و تعلیمات مجانی و غیره. (موحد، ۱۴۰۰، ۲۹۹-۳۰۱)

زندان‌زدایی در مقابل زندان‌گرایی

۱. Francois Lyotard.

همان طور که گذشت زندان به تعبیر میشل فوکو زاده‌ی عدالت نبود؛ حال چگونه از این مولود نامشروع انتظار بستر سازی برای عدالت وجود خواهد داشت. سالها است که با دیدی نقادانه به مسئله زندان و زندانی پرداخته شده و نقدهای جدی بر آن وارد و همگان نیز کم و بیش آن نقدها را پذیرفته‌اند؛ لکن مسئله مهم‌تر این است، چگونه می‌توان وابستگی سیستم کیفری و به تعبیری دیگر نظم کیفری را دگرگون ساخت و راه حل این امر در چیست؟ اگر سیستم را به مانند یک مریض در نظر بگیری این سیستم نیاز به اصلاحات ساختاری دارد به عبارت دیگر برای اجرای این جراحی نیاز به یک سری تدابیر پیشینی و یک سری تدابیر پسینی است اما مراقبت‌های قبل از عمل، برای این که بتوان شوک جراحی و ریسک آن را به حداقل خود کاهش دهد نیاز به کاهش شدید جمعیت کیفری زندان‌ها دارد؛ رویکردی که در زمان مرحوم آیت الله شاهرودی به آن توجه شد و در زمان حاضر نیز با اعمال تدابیر مقطعی در حال پیگیری است.

در گام اول با توجه به نهادهای پیش بینی شده در قوانین و آیین نامه‌ها و ظرفیت سازمان‌های مردم نهاد^۱ می‌توانیم سیاست کاهش کمی و کیفی زندان را به صورت هم زمان در دستور کار خود قرار دهیم چرا که صرفاً کاهش عددی تعداد زندانی‌ها راهی به مقصود ندارد و بدون در نظر گرفتن زمینه‌های جرم زا برای مرتکبان و ارائه ی راه حل واقعی برای درمان آنان صرفاً به دادن مسکنی ساده برای تسکین موقتی درد اکتفا شد؛ که به زودی این درد با تکرار جرم و بازگشت مرتکب به سیستم پرهزینه کیفری بی‌ثمر می‌ماند. اما می‌توان با استفاده بسترهای گسترده سازمان‌های مردم نهاد و نیز توان فرهنگی ستاد امر به معروف و نهی از منکر و همچنین توان نظارتی و مراقبتی سازمان و ادارات پس از خروج از زندان به صورت هم زمان شاهد کاهش کمی و کیفی جمعیت زندانی بود لکن این راهکار نهایی نیست بلکه تاکید می‌شود به عنوان راهکاری میان مدت برنامه‌ای خوب و کارکرد گراست در ضمن برنامه اصلی بعد از این اقدامات پیشینی و ایجاد زمینه مناسب برای بازگو کردن گفتمان پسا ساختار گرایی برای حذف نهاد زندان-ندامتگاه آغاز خواهد شد به این گونه که انسان واژه‌ای اصلی برای ساختار اجتماع دارای فطرتی اولیه و فطرتی ثانویه می‌باشد بدین نحو که در فطرت اولیه او به دنبال تامین نیازها و حقوق اولیه خود یعنی حق حیات و زیستن و تامین حداقل نیازهای است اما در محله بعد از برآورده سازی این نیازها فطرت ثانی او ظهور یافته و به نحوی باشکوه متجلی گشته و به

^۱. NGO

او جایگاه رفیع انسانی را گوش زد می‌نماید در این مرحله است که انسان ناطق در تفکر فرو رفته و به دنبال حقوق متعالی خود و نیز تکالیف انسانی بر خواهد آمد لکن کلنی‌های تجمیع قدرت که تشکیل یافته از تک تک اعضاء این جامعه بودند نمی‌بایست در بازی قدرت نقش آفرین اصلی می‌بودند پس حقوق ثانویه از آنان صلب شد و تکالیف ثانویه بر آنان بار گشت. و گفتمان قدرت هیچ زمانی اجازه ابراز این نقیصه را به شهروندان نداد بلکه آنان را هرزچند گاهی با گفتمان‌های همچون امانیسم و فمینیسم مشغول خود گردانید با یک مثال بسیار ساده حقوق ثانویه و جایگاه آن برای شهروندان، تاثیرش بر جایگاه حقوق شهروندی و اثر آن بر روی کیفیت زندگی ابناء بشر و نیز ارتقاء اصالت فردی را می‌توان مشاهده نمود. فرض کنید دو کودک در حال تربیت توسط والدین خود هستند یکی از خانواده‌ها خانواده است ثروتمند و غنی از جهت فرهنگ اجتماعی و تسهیلات و ثروت که امتیازاتی برای فرزند خود قائل شده و در مواقع‌ای که این فرزند به دلیل غفلت مرتکب خطای می‌گردد برای تنبیه و تنبه فرزند دل‌بند خود او را از این حقوق مکتسبه بنحو موقت متناسب با میزان بزرگی خطا و میزان مسولیت فرزند محروم می‌نمایید. اما ببینیم با وجود همین شرایط رویکرد تربیتی خانواده فقیر از لحاظ گفتمان فرهنگی و اجتماعی و ثروت چگونه است، کودک این قشر به دلیل دارا بودن تنها از حقوق اولیه یعنی تامین حداقل نیازهای او مثل حق حیات و امنیت و مسکن و خوراک در صورت تخطی از اوامر برای تنبه به ناچار می‌بایست که حقوق اولیه او مورد تحدید قرار گیرد یعنی به عنوان مثال حق امنیت روانی او با ضرب و شتم، حال می‌خواهد هرچند مختصر و کوتاه باشد چرا که حقوق ثانویه‌ای همچون پول تو جیبی، مسافرت‌ها، تفریحات آبی و... در کار نیست که بخواهد با صلب آن به تنبه و تنبه کودک برسد و این جریانی است که در سطح بسیار گسترده تر به دلیل ترجیح گفتمان قدرت حاکم، بر اصالت ناب فردی مستولی شده است بدین نحوه که هیئت حاکمه به دلیل انقیاد هر چه تمام تر این نهاد یعنی شهروندان تاکنون اجازه گفتمان سازی حقوق ثانویه را نداد چرا که همیشه می‌بایست اصالت اجتماع برتر جلوه داده شود و مصلحت اجتماع نیز در گروه ید باکفایت قدرت حاکم نهاده شد. در قانون اساسی اصولاً و قاعدتاً شاهد وجود و بیان همین حقوق اولیه هستیم. حق مسکن، حق حیات، حق آزادی شغل و... که در صورت تخطی افراد از قوانین کیفری مورد هجوم قانون گذار و هیئت حاکمه قرار می‌گیرند. اما در صورتی که حقوق ثانویه‌ای برای افراد جامعه تعبیه گردد به نحو نظام مند و گسترده تر از

چیزی که در حال حاضر وجود دارد^۱ حداقل در تمامی موارد دیگر نیازی به سلب حقوق اولیه و ساقط کردن فرد از کنش گری اجتماعی نخواهیم بود به عنوان مثال با ایجاد یک نظام مالیاتی هوشمند برای آحاد جامعه هزینه زندگی یک ناکرده بزه با یک بزهکار مالی می‌تواند کاملاً متفاوت باشد در صورتی که ابزارهای اجرای این طرح‌ها امروزه در دستان دولت‌ها قرار دارد و برعکس نظام کیفری قبلی، هزینه هنگفتی را بر دوش جامعه و خود مرتکب قرار نمی‌دهد هزینه بلکه توان بازدارندگی آن نیز بیشتر است.

نتیجه

هرچند در زمان حال جایگاهی برای گفتمان حذف ساختاری سیستم زندان- ندامتگاه در ادبیات جاری سیاست کیفری وجود ندارد لکن ایجاد ساختارهای تفکرات انتقادی پسا ساختارگرایی و حس خطر از جانب ساختارهای قدرت در جهت احساس ناکارآمدی در قشر عمده بزهکارو مرتبطین آنان این تشکیک در رویکرد موجود را به همراه خواهد داشت. در این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی به آن پرداخت شد به این نتیجه دست یافت که ساختار کنونی نظام زندان- ندامتگاه در کارکرد تعریف شده اولیه به واسطه اعمال گشتارها در طی گذر زمان و مکان بر آن دیگر تحکیم‌کننده نظام سیاسی نبوده بلکه با ایجاد تردید درباره کارآمدی، و مشروعیت نتیجه مخالفی به همراه خود دارد که تاثیرات آن در نتایج سوء اعمال بی‌رویه این نهاد در زرادخانه کیفری کاملاً عیان است. اما به دلیل وجود نرخ بالای از مضمولین نظام کیفری امکان حذف ساختار به ناگاه به دلیل امکان ایجاد آنومی اجتماعی وجود ندارد. باتوجه به عناوین معنونه می‌بایست توجه نمود که ساختار زندان ندامتگاه در راستای رویکردی اقتصادی بر مبنای نظام سرمایه داری طرح ریزی شد که اصولاً این نحو از کارکرد در ساختار اقتصادی ما امکان عملکرد ندارد. چنان که کماکان طرح‌های خصوصی سازی که در ادوار گذشته عملیاتی شد با شکست روبه‌رو گردید در صورتی که در کشورهای تحت نظام سرمایه‌داری بنگاه‌های کلان بخشی از نیروی ارزان قیمت خود را برای رقابت در بازار از زندان تامین می‌نمایند. در این صورت با توجه به وجود تردیدهای شدید در زمینه کارکرد سیاسی و اقتصادی نهاد زندان - ندامتگاه تکیه اصلی قانونگذار محترم بر بنای سست زندان به عنوان راهکار اصلی و همیشگی دارای توجیه اقتصادی و سیاسی نمی‌باشد و تغییر رویکرد در سیاست کیفری اتخاذ

^۱. محرومیت از حقوق اجتماعی

شده با توسل به ایجاد طرح واره‌های نوین جایگزین از جمله نهادهای مراقبت و سیستم‌های مراقبت پسا کیفری همسو با حقوق شهروندی می‌تواند راه حلی برای رفع این معضل باشد. اما می‌بایست توجه نمود که در بازشناسی آسیب‌های این نهاد برای نظام حاکم رویکرد عملیاتی در میان مدت نهاد مراقبت‌های خارج از زندان برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و جلوگیری از تکرار جرم و بازگشت چندین بار افراد است تا با ارائه راهکارهای همچون ایجاد نظام حقوقی شهروندی جدید مثل ایجاد حقوق اولیه و ثانویه مقدمات ساماندهی به نظام کیفری و طرح ریزی جدید سیاست جنایی مطرفی تر از سیاست کنونی هموار گردد.

منابع

- ابراهیمی، شهرام، و ایزدی، عبدالله. (۱۳۹۲). «مطالعات تطبیقی راهبردهای اصلاح خارج از محیط کیفری ایران و کانادا»، مجله حقوق دادگستری، دی، ۷۷(۸۴)، ۱-۴۰.
- اسدالهی، عبدالرحیم، محسنی تبریزی، علیرضا، و براتوند، محمود. (۱۳۸۸). « نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال زایی زنان زندانی خوزستان. » رفاه اجتماعی، پاییز، ۹(۳۴)، ۳۴۹-۳۵۵.
- بست، ژان میشل. (۱۳۷۲). *جامعه شناسی جنایت*، ترجمه فریدون وحید، چاپ اول، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- بکاریا، سزارا. (۱۳۷۷). *رساله جرایم و مجازات‌ها*، مترجم محمد علی اردبیلی، چاپ سوم، تهران: میزان
- حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۸). « اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران. » مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، مهر ۳۹(۳)، ۸۳-۱۰۴.
- خزائی، یعقوب (۱۳۹۸). *فرآیند ساخت یابی نهاد زندان از مشروطه تا پایان پهلوی اول*، چاپ سوم، تهران: نشر آگه
- زنجیره یی، زینب. (۱۳۹۶). « بررسی تاثیر آسیب‌های اجتماعی زندان بر مدد جویان آزاد شده از زندان‌های استان تهران»، کنگره ملی روانشناسی و آسیب‌های روانی - اجتماعی، تیر.
- شاکری، صالحی، شیخ موحد، یاسرو علیرضا، محمد علی. (۱۳۹۷). «سیاست‌های اصلاح و درمان فرهنگ محور در زندانهای ایران»، رهیافت‌های پیشگیری، زمستان، ۱ (۴)، ۸۹-۱۰۷.

- دانش، تاج زمان (۱۳۷۲) *حقوق زندانیان و علم زندان‌ها*، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، جلد ۱۳، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۷) *منتسکیو و روسو پیشگامان جامعه شناسی*، چاپ یکم، تهران: انتشارات تیسا
- روسو، ژان ژاک، (۱۳۸۸). *امیل*، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ناهید.
- عبدی، عباس. (۱۳۹۷). *سرمه کشیدن یا کور کردن یادداشت‌های در باره جامعه شناسی حقوق*، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسا.
- عبدی، عباس. (۱۳۷۱). *آسیب شناسی اجتماعی تاثیر زندان بر زندانی*، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- عمید، حسن. (۱۳۶۹). *فرهنگ فارسی عمید*، جلد دو، چاپ هفتم، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر
- فروید، زیگموند. (۱۳۹۹). *کاربرد روان کاوی در نقد ادبی*، هفت اثر از فروید درباره ادبیات، مترجم حسین پاینده، چاپ اول، تهران: انتشارات مروارید.
- فوکو، میشل. (۱۳۹۸). *ایران روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفت و گوی دیگر با میشل فوکو*، مترجم نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ پانزدهم، تهران: نشر نی
- فوکو، میشل. (۱۳۹۸). *مراقبت و تنبیه تولد زندان*، مترجم نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، چاپ هفدهم، تهران: نشر نی
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*، ۳ج، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، ملک زاده، فهیمه. (۱۳۹۳). «پیشگیری از جرائم درآموزه‌های قرآن، مطالعات فهم قرآن»، پاییز، ۲(۰۲)، ۱۰۷-۱۲۶.
- کتاب مقدس، *عهدعتیق*. (۱۹۰۱). لندن: بریتیش و فورن بیبل سوسائیتی
- کسینجر، هنری. (۱۳۹۶). *نظم جهانی ناملی در ویژگی ملتها و جریان تاریخ*، مترجم محمد تقی حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

معظمی، شهلا، شیروی، مهسا، و صالحی، معصومه. (۱۳۹۴). «تاثیر زندان بر تکرار جرم زنان. تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری» (دانشنامه حقوق و سیاست)، بهار، ۱۱(۲۳)، ۳۹-۵۸. معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*، جلد سوم، چاپ بیست و چهارم، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر

موحد، علی اکبر (۱۴۰۰). *تأملات در باب حقوق و شریعت*، تاریخ و سیاست مقاله‌ها و خطابه‌ها، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

میرخلیلی، سید محمود. (۱۴۰۰). *جرم شناسی*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه میرخلیلی، سید محمود، حاجی ده آبادی، احمد، آقاجانی، مهدی (۱۳۹۹) «آسیب شناسی سیاست کیفری ایران در پرتو نظریه قوچ قربانی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، تابستان، ۱۲(۲۳)، ۱۸۵-۲۱۰.

یعقوبی، محمد، و علمی، محمود. (۱۳۹۶). «نقش عوامل خانوادگی و اجتماعی در بازگشت مجدد زندانیان به زندان». *مطالعات جامعه‌شناسی*، پاییز، ۹(۳۵)، ۷-۲۳.

- Finckenauer, James O. (۲۰۱۰) "prison", in *The Word Book Encyclopedia*. Vol. ۱۵, United states of America.

- Graham, Amos & others (۲۰۰۳). *Governance principles for protected areas in the ۲۱ century*. Ottawa, ont: Institute on Governance, *Governance principles for protected areas*.

- Lipset, Seymour Martin (۱۹۶۰). *Political Man: The Social Bases of Politics* ۴.

- Stoker, Grill (۱۹۹۸). *Governance as theory: Five propositions*. *International social science journal*.

